

The validity of contemporary rational structures in the principled thought of Imam Khomeini

Gharibpoor. Mansoor^{1*}-Jokar. Seyyed Mahdi²- Roosta. Zohrab³

1: Assistant Professor of Islamic Jurisprudence, Yasouj University, Yasouj, Iran.: Correspondence author (m.gharibpoor@yu.ac.ir)

2: Associate Professor of Islamic Jurisprudence, Yasouj University, Yasouj, Iran.

3: PHD Student of Islamic Jurisprudence, Yasouj University, Yasouj, Iran.

Abstract: The emergence of newly created institutions leads to the formation of new rational structures, which it seems necessary to examine their validity in order to solve emerging issues. The issue is, what is the validity of this range of buildings? It is assumed that contemporary intellectual structures have intrinsic validity. Famous scholars believe in the non-intrinsic validity of rational constructions, so they face restrictions and difficulties in confronting invented constructions and discovering the consensus of the Shariah. The positive result of the upcoming research is the unpopular theory, that is, the inherent validity of rational structures, especially contemporary rational structures. By looking carefully at the Usuli works of Imam Khomeini (RA), the conclusion is reached that the view of His Holiness is different from the Usuli scholars. In this way, they adopted the theory of non-deterrence in relation to non-invented constructions while accepting the validity of credit. But regarding the contemporary rational constructions, it can be said that it believes in the inherent validity, because it is rationally (to us also rationally) acted on it, and failure to adhere to them leads to difficulties and embarrassment and disruption of the system. The rule of attachment, grace and expediency element strengthen this view. The upcoming research has addressed this issue with an analytical and descriptive method.

Keywords: rational construction, created problems, lack of deterrence, system disruption, inherent rule, grace.

- M. Gharibpoor; S.M. Jokar; Z. Roosta (2024). The validity of contemporary rational structures in the principled thought of Imam Khomeini, *Islamic Law and Jurisprudence Studies*, 15(34), 226-252.

[Doi: 10.22075/feqh.2022.27692.3309](https://doi.org/10.22075/feqh.2022.27692.3309)



فصلنامه مطالعات فقه و حقوق اسلامی

سال ۱۶ - شماره ۳۴ - بهار ۱۴۰۳

صفحات ۲۲۷-۲۵۲ (مقاله پژوهشی)

تاریخ: وصول ۱۴۰۱/۰۴/۱۲ - بازنگری ۱۴۰۱/۰۶/۰۹ - پذیرش ۱۴۰۱/۰۷/۱۶

مناط حجیت بنائات عقلایی معاصر در اندیشه اصولی امام خمینی (ره)

منصور غریب پور^۱ / سید مهدی جوکار^۲ / ظهراب روستا^۳

m.gharibpoor@yu.ac.ir

۱: استادیار فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه یاسوج، یاسوج، ایران (نویسنده مسئول)

۲: دانشیار فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه یاسوج، یاسوج، ایران.

۳: دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه یاسوج، یاسوج، ایران.

چکیده: ظهور نهاد های نوپیدا و مستحدثه به شکل گیری بنائات عقلایی جدیدی می انجامد که بررسی مناط حجیت آنها در راستای حل مسائل نوظهور ضروری به نظر می رسد. مسأله مطرح این است که مناط حجیت این طیف از بنائات چیست؟ فرض بر این است که بنائات عقلایی معاصر، حجیت ذاتی دارند. مشهور دانشمندان اصول، قائل به حجیت غیر ذاتی بنای عقلاء هستند؛ به همین رو در مواجهه با بنائات مستحدثه و کشف موافقت شارع با محذورات و دشواری هایی رویرو می شوند. نتیجه پژوهش پیش رو مثبت نظریه غیر مشهور یعنی حجیت ذاتی بنائات عقلایی به ویژه بنائات عقلایی معاصر است. بدین دقت در آثار اصولی امام خمینی (ره) این نتیجه به دست می آید که دیدگاه معظم له متفاوت از دانشمندان اصولی است. بدین شرح که نسبت به بنائات غیر مستحدثه ضمن پذیرش حجیت اعتباری، نظریه عدم ردع را اختیار نمودند. اما در خصوص بنائات عقلایی معاصر می توان گفت که قائل به حجیت ذاتی می باشد؛ چراکه عقلاء (به ما هم عقلاء) به آن عمل کرده و عدم تمسک به آنها موجبات عسر و حرج و اختلال نظام را در پیش دارد. قاعده ملازمه، لطف و عنصر مصلحت این دیدگاه را تقویت می کند. پژوهش پیش رو با روش تحلیلی - توصیفی به این مهم پرداخته است.

کلیدواژه: بنای عقلاء، مسائل مستحدثه، عدم ردع، اختلال نظام، قاعده ملازمه، لطف.

منصور غریب پور و همکاران - سال شانزدهم - بهار ۱۴۰۳ - شماره ۳۴

- غریب پور، منصور؛ جوکار، سید مهدی؛ ظهراب، روستا (۱۴۰۳). مناط حجیت بنائات عقلایی معاصر در اندیشه

اصولی امام خمینی (ره). مجله مطالعات فقه و حقوق اسلامی دانشگاه سمنان، شماره ۳۴، صفحات ۲۲۷-۲۵۲.

[Doi: 10.22075/feqh.2022.27692.3309](https://doi.org/10.22075/feqh.2022.27692.3309)

طرح مسأله

در مکتب حقوقی اسلام، بنای عقلاء به عنوان یکی از نهادهای مهم، مبنا و پایه حجیت و اعتبار بسیاری از قواعد فقهی مانند قاعده ید و اصاله الزوم در عقود و قراردادهای و مسائل اصولی مانند حجیت ظواهر می باشد که در فهم و شناخت و استخراج بسیاری از احکام فقهی و حقوقی به آن رجوع می شود.

از طرفی، ضرورت پویائی دانش فقه و لزوم پاسخگویی به مسائل و مشکلات روز جامعه و مسائل نوظهور و مستحدثه، اقتضا می کند که دانشمندان و عالمان فقه و حقوق با استفاده از طریق و ابزار معتبر که حجیت آن ثابت و محرز می باشد به شناسایی و استخراج احکام فقهی و حقوقی و تنظیم قوانین و مقررات زندگی جمعی افراد در عرصه های مختلف پردازند. یکی از مهم ترین متدهائی که در این راستا گره گشای مشکلات خصوصاً مسائل نوظهور می باشد رجوع به سیره و بنای عقلاءست؛ لذا لازم و ضروری است که مبنای حجیت آن به طور دقیق مورد کنکاش قرار گیرد تا با به دست آوردن ملاک و مناط اعتبار آن خصوصاً از نگاه و دیدگاه دانشمندان معاصر علم فقه و اصول، مجرا و میدان عمل آن را بسط و توسعه بدهیم. در این خصوص حضرت امام (ره) یکی از برجسته ترین دانشمندان فقه و اصول معاصر و صاحب نظر در این عرصه بوده که در ابعاد مختلف زندگی افراد اعم از روابط تجاری، مالی، سیاسی و فرهنگی و ... به ارائه نظر پرداخته اند و نگاهی خاص و ویژه به سیره و بنای عقلاء در اداره امور جامعه داشته اند. ایشان در این راستا بیان می دارند: «در حکومت اسلامی همیشه باید باب اجتهاد باز باشد، فقه تئوری واقعی اداره انسان و اجتماع از گهواره تا گور است. هدف اساسی این است که ما چگونه می خواهیم اصول محکم فقه را در عمل فرد و جامعه پیاده کنیم و برای معضلات جواب داشته باشیم؟ باید سعی بنمائید که اسلام در پیچ و خم های اقتصادی، نظامی، اجتماعی و سیاسی متهم به عدم قدرت اداره جهان نگردد» (خمینی، ۱۳۷۸: ۶۱/۲۱-۲۸۸). بر این اساس، مسأله دارای اهمیت فوق العاده ای است و همچنان جای تحقیقات علمی دارد و باید گفت در خصوص پیشینه بنای عقلاء و حجیت آن

هرچند مقالاتی از قبیل: «عرف و بنای عقلاء در فرآیند اجتهاد»، «چیستی بنای عقلاء و تحلیل حجیت بنای عقلاء با رویکردی در مسائل مستحدثه» نگاشته شده اما به نقطه نظر و دیدگاه امام به طور مستدلّ و مبسوط پرداخته نشده و کشف مناط حجیت بنائات عقلایی معاصر از دیدگاه ایشان مغفول مانده است و نیز به مناط حجیت بنائات عقلایی مستحدثه و نظریه حجیت ذاتی داشتن آنها پرداخته نشده است؛ امری که این پژوهش در پی آن است. از اینرو سؤال اصلی تحقیق آن است که چگونه می توان نسبت به سیره و بنائات عقلایی حاضر در مسائل نوظهور و نوپیدا حجیت یا موافقت شارع را کشف نمود؟ مناط حجیت اینگونه بنائات چیست؟ نظریه مرحوم امام خصوصاً با توجه به اهتمام ایشان به نیازهای به روز و جدید مردم در ابعاد مختلف نسبت به مناط حجیت بنائات عقلایی چیست؟ این پژوهش با روش توصیفی و تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه ای و نرم افزاری و پایگاه های اینترنتی انجام گرفته است.

۱- مفهوم شناسی و تنقیح موضوع

بناء در لغت، به معنای عمارت، خانه و ساختمان (عمید، ۱۳۵۷: ۱/۳۷۵)، اساس، بنیاد برقراری و قرارآمده است (معین، ۱۳۷۱: ۱/۵۸۰)؛ همچنین عقلاء، جمع عاقل و به معنای خردمندان می باشد (عمید، ۱۳۵۷: ۲/۱۴۴۶). در اصطلاح، تعاریف گوناگونی از بنای عقلاء ارائه شده است؛ از جمله: «بنای عقلاء عبارت است از استمرار و تکرار عمل عقلاء در امری از آن حیث که عاقل می باشند؛ خواه پیرو یک دین و آیین باشند یا این که دارای دین و آیین واحدی نباشند» (کاظمی خراسانی، ۱۴۰۹: ۳/۱۹۲-۱۹۳) در تعریف جامع می توان گفت: بنای عقلاء که با نام های عرف عقلاء، سیره عقلاء، طریقه عقلاء، بنای عرف، سلوک و عمل عقلاء، و ... آمده است (جبار گلباغی، ۱۳۷۸: ۸۲؛ ایزدی فرد و دیگران، ۱۳۸۸: ۴۵) عبارت است از روش تمام مردم در مسائل گوناگون و روزمره زندگی. بدین شرح که مردم از ملیت های گوناگون و در زمان های مختلف در برخی از امور به یک روش و طریقه واحد اتکا و اعتماد می کنند و از آن به بنای عقلاء تعبیر

می شود و اساس روابط مردم در جنبه های گوناگون زندگی آنها به شمار می رود. به عنوان مثال، عموم مردم در همه زمان ها و مکان ها به ظواهر کامل متکلم، اعتماد و اعتنا می کنند و بر اساس ظاهر کامل عمل می کنند (صدر، ۱۴۱۸: ۱۱۱/۱؛ نائینی، ۱۳۷۶: ۱۹۲/۳-۱۹۳؛ مظفر، ۱۴۳۰: ۱۷۶/۳؛ عراقی، ۱۴۱۷: ۱۳۷/۳).

اما از دیدگاه امام خمینی، ایشان معتقد است سیره عقلاء یک کلمه یا واژه تأسیسی به توسط شارع مقدّس نمی باشد و شارع مقدّس برای سیره عقلاء تعریفی ارائه نکرده؛ بنابراین، این واژه عرفی بوده و تعریف آن به خود سیره عقلاء و عرف واگذار شده است (خمینی، ۱۳۷۲: ۱۹۴/۱). لذا می توان گفت که ایشان عرف را همان بنای عقلاء به شمار می آورند و گاهی از عرف و سیره عقلاء با کلماتی چون امور عقلایی» یا «بنای عقلاء» یا «امارات عقلایی» یا «سیره عقلایی» نام می برند همچنان که بیان داشته اند: «عقلاء در همه اموری که به داد و ستد و سیاست ها و زندگی شان ارتباط پیدا می کند به اماره های عقلایی عمل می نمایند» (خمینی، ۱۳۷۲: ۱۹۴/۱-۳۴۰) و در جایی دیگر گفته اند: «اماره های عقلایی اموری است که عقلاء در داد و ستد ها و تدابیر اجتماعی و همه شئون زندگی خویش به آنها عمل می کنند به طوری که اگر شارع مقدّس آنها را از عمل به آن منع کند نظام جامعه مختل می شود و حرکت و چرخه زندگی اجتماعی متوقّف می شود» (خمینی، ۱۳۷۲: ۱۰۵/۱).

۲- حجّیت بنای عقلا از دیدگاه اصولیان

در خصوص حجّیت ذاتی یا غیر ذاتی داشتن و نیز مناط حجّیت بناءات عقلائی که نقش آنها کبری واقع شدن برای اثبات حکم شرعی است میان دانشمندان علم اصول اختلاف نظر وجود دارد و نظرات مختلف به شرح زیر دسته بندی می شود.

۲-۱- نظر مشهور

مشهور و اکثر معتقدند بنای عقلاء، حجّیت غیر ذاتی و به تعبیر دیگر، حجّیت اعتباری دارد؛ چراکه تنها قطع و یقین به خودی خود و ذاتاً حجّت است و اثبات حجّیت آن بی نیاز از دلیل است ولی دیگر ادله مانند بنای عقلاء برای حجّت بودنشان نیاز به پشتوانه و

دلیل قطعی دارند (مظفر، ۱۴۳۰: ۱۷۷/۳). این دسته از دانشمندان در مورد مناط حجیت بنای عقلاء اختلاف نظر دارند و به دو نظر به شرح ذیل قائلند:

۱-۱-۲- نظریه عدم احراز ردع

با مطالعه در آثار دانشمندان اصولی به نظر می رسد نظریه عدم احراز ردع از نظریات مشهور و اکثر در این باب می باشد. از جمله اصفهانی (اصفهانی، ۱۳۷۴: ۲/۳-۳۲۰)، شریف العلماء مازندرانی (بی تا: ۳۹۹) و موسوی بجنوردی (موسوی بجنوردی، ۱۳۸۰: ۱۵۵-۱۵۶) مناط و مبنای حجیت بنای عقلاء را عدم احراز ردع و عدم اثبات مخالفت شارع دانسته و معتقدند که وقتی از وجود ردع و منع شارع آگاهی و اطلاع کسب نکنیم، موافقت شارع با سیره و بنای عقلاء احراز می گردد. این دسته حتی معاصرت و همزمانی سیره با معصوم (ع) را شرط ندانسته و اصل را بر موافقت شارع با بنای عقلاء می دانند. جهت تنقیح مطلب، نظر دو نفر از برجسته ترین دانشمندان اصولی بررسی می شود.

الف: دیدگاه محقق نائینی: به عقیده ایشان برای اثبات حجیت سیره و بنای عقلاء عدم احراز ردع معصوم (ع) کافی است و نیاز به امضاء معصوم نیست. عین عبارت محقق نائینی در این راستا چنین است: «لا اشکال فی اعتبار الطریقه العقلائی و صحه التمسک بها فانها اذکانت مستمره الی زمان الشارع و کانت بمنظر منه و مسمع و کان متمکناً من ردعهم، و مع هذا لم یردع عنها، فلا محاله یکشف کشفاً قطعياً عن رضا صاحب الشرع بالطریقه و الّا الردع عنها، کما ردع عن کثیره من بنائات الجاهلیه و من ذالک ینظر انه لایحتاج الی امضاء صاحب الشرع و التصریح باعتبارها بل یکفی عدم الردع عنها...» (نائینی، ۱۳۷۶: ۱۹۳/۳)؛ طبق این عبارت محقق نائینی، صرف عدم احراز ردع را در اعتبار کافی می داند و لذا قائل به احراز عدم نیست.

ب: دیدگاه شهید صدر: ایشان در خصوص مناط حجیت سیره عقلائیه نظرات متفاوتی را ارائه کرده اند و در نهایت به نظر می رسد نظریه عدم احراز ردع را برگزیده اند و معتقدند بنای عقلاء حجیت ذاتی ندارد و در صورتی واجد حجیت است که به امضاء

و تقریر معصوم رسیده باشد (صدر، ۱۴۰۶: ۱۱۷/۲). مرحوم صدر سکوت معصومین(ع) در مقابل سیره های عقلائی که معاصر با معصومین هستند را نوعی تقریر می دانند و بر این باورند که سکوت معصوم در برابر این سیره ها به معنای تایید آنها است (هاشمی، ۱۴۱۷: ۲۴۳/۳) زیرا اگر معصومین از یک سیره عقلایی منع کرده باشند از آنجا که انگیزه شدید برای نقل و اخبار آن از سوی راویان و اصحاب وجود دارد، قطعاً آن منع به دست ما می رسد؛ لذا عدم وصول منع شارع از سیره عقلاء به ویژه سیره های عقلائی که نزد مردم استوار است، حاکی از عدم ردع و منع شارع نسبت به آن سیر و بنای عقلاء می باشد (هاشمی، ۱۴۱۷: ۱۸۴/۳-۱۸۷).

۲-۱-۲- نظریه احراز عدم ردع

برخی از علمای اصولی مبنا و مناط حجّیت بنای عقلاء را احراز عدم ردع شارع دانسته و برای احراز رضایت و موافقت شارع، روش تقریر را مطرح کرده اند؛ بدین شرح که سکوت شارع در خصوص یک سیره، کاشف از موافقت شارع به آن سیره است (صدر، ۱۴۰۸: ۱۰۱/۲؛ حائری یزدی، بی تا، ۳۳۲-۳۳۹؛ نائینی، ۱۳۷۶: ۱۹۳/۳؛ حکیم، بی تا: ۱۹۸).

به این علت بنای عقلاء به تقریر معصوم(ع) نیاز دارد که حجّت قطعی در مقام کشف از واقع نمی باشد، زیرا امکان دارد که شارع مقدّس طریق دیگری غیر از سیره عقلاء برگزیند و بنای عقلاء را ردع کند، اما با تقریر و امضای شارع یا عدم ردع آن، مکلف قطع و یقین به حجّیت آن حاصل می کند (حکیم، بی تا: ۱۹۸).

۳-۱-۲- ثمره نزاع بین دو نظریه

مطابق با نظریه احراز عدم ردع، اثبات عدم مخالفت شارع با بناات عقلایی ضروری است، اما بر مبنای نظریه عدم احراز ردع، صرف عدم اثبات مخالفت شارع با بناات عقلایی مستحده کافی است؛ یعنی به محض این که از وجود منع و ردع شارع مطلع شدیم، رضایت و تأیید شارع محرز می گردد. با این مطلب تفاوت اصلی و کلیدی این دو نظریه در مواجهه و برخورد با سیره و بناات مستحده آشکار می شود. بدین شرح

که به زعم طرفداران نظریه احراز، چنان چه در خصوص این دسته از بنائات موافقت و نیز ردع و منع شارع وجود نداشته باشد نمی‌توان مفاد آن سیره را حجّت محسوب کرد و به آن تمسک نمود؛ چراکه از عدم مخالفت شارع یقین حاصل نگردیده است، اما طبق نظریه عدم احراز چنین سیره‌هایی حجّت دارد و می‌توان به استناد آنها حکم صادر نمود (جهانخواه، ۱۳۹۰: ۱۹۹).

۴-۱-۲- اشکال وارده بر نظریه مشهور

قائلین نظر مشهور که اعتبار و حجّیت بنائات عقلایی را منوط به تأیید شارع و موافقت شارع دانسته و به تعبیر دیگر، قائل به حجّیت غیر ذاتی می‌باشند با محذورات و مشکلاتی در مواجهه با بنائات مستحدثه روبرو می‌شوند. با این توضیح که از نقطه نظر آنها اصل بر عدم حجّیت این دسته از سیره‌ها است؛ چراکه نسبت به آنها عدم ردع یا تقریر معصوم را نمی‌توانند اثبات و کشف کنند و اگر هم بشود با سختی و دشواری فراوانی در راستای کشف موافقت شارع روبرو می‌شوند. آن چنان که گفته شده است طبق این دیدگاه حجّیت سیره‌های مستحدثه تنها پس از اثبات امتداد تاریخی آن تا زمان معصوم و نیز اثبات هم مسلک بودن معصوم با آنها، در جایی که ممکن بود از او صادر شود و یا تقریر آن از ناحیه معصوم اگرچه با نهي نکردن از آن با وجود امکان منع و اطلاع در صورتی که امکان صدور از خود معصوم وجود نداشته باشد و البته در صورتی که آن اثبات نشود، امکان دارد در غیر این صورت نمی‌توان به آن بنائات تمسک کرد (حکیم، ۱۴۱۸: ۱۹۳).

۲-۲- نظر غیر مشهور

عده‌ای از علمای علم اصول معتقدند که بنای عقلاء، حجّیت ذاتی داشته و بی‌نیاز از امضای شارع می‌باشد (آشتیانی، ۱۴۰۳: ۱۷۱/۱؛ طباطبائی، بی تا: ۲۰۶/۲). در استدلال بر این نظریه گفته شده چنان چه بنای عقلاء را حکم عقل بپنداریم بی‌نیاز از امضای شارع است و اگر آن را جزو حکم عقل محسوب کنیم باز به امضای شارع نیاز ندارد؛

چراکه عقلا بما هم عقلا زمانی که برای حفظ مصالح به امری حکم می کنند شارع هم که خود از عقلاست مخالفتی با آن نخواهد داشت (محصّلی، ۱۳۹۰: ۲۸۴). قابل ذکر است که دلیل عقل غیر از دلیل عقلایی و سیره عقلایی بوده و با بنای عقلاء متفاوت است؛ بدین شرح که سیره و بنای عقلاء مبتنی بر فطرت و ضرورت های نظام زندگی جمعی است که هر عاقلی بما هو عاقل آن را می پذیرد؛ بنابراین حجیت آن ناشی از حکم عقل است نه این که خودش دلیل عقل یا حکم عقل باشد.

از قائلین به این نظر، مرحوم علامه طباطبائی می باشد. ایشان در تأیید نظر خویش معتقدند که بناات عقلاء ناشی از ضروریات نظام اجتماعی هستند؛ از اینرو عقلاء به طور فطری آن را درک می کنند، بنابراین اعتبار آنها نزد شارع محرز و مسلّم بوده و مخالفت شارع با آنها مخالفت با اجتماع و نظام است (طباطبائی، بی تا: ۲۰۶/۲).

بررسی و تحلیل نظر غیر مشهور

با توجه به این که این نوشتار درصدد اثبات حجیت ذاتی بناات عقلایی به ویژه بناات عقلایی معاصر است، جهت تقویت نظر غیر مشهور از مستندات و دلایل زیر در احراز حجیت ذاتی مدد می گیرد.

دلیل اول: سیره عقلاء ریشه در عقل عملی انسان دارد و این عقل، عقل فطری است که خداوند در انسان به ودیعه گذاشته که اشتباه نمی کند و خطا ناپذیر است؛ بنابراین سیره عقلاء بما هم عقلاء از عقل فطری نشأت گرفته و حجّت است و حجیت آن نیازی به امضای شارع ندارد (خمینی، ۱۳۸۲: ۱۴۴/۳). همچنان که در تعریف سیره عقلاء گفته شده سیره ای عقلانی است که عقلاء بما هم عقلاء به آن عمل می کنند (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۷: ۱۴۰). به تعبیر دیگر، منشأ بنای عقلاء عنصر عقلانی و نیز فطری و الهی است و به همین دلیل، همه مردم به آن اعتنا می کنند و علاوه بر عقلانی بودن بر اساس تعالیم انبیاء الهی است که بر عقلاء مبعوث گشته و با آنها حشر و نشر دارد و لذا اگر رفتار و عملی انجام دادند مورد تأیید شارع است. خلاصه آن که بنای عقلاء یعنی

چیزی که به ذات آنها بر می گردد و از طرفی ذات و فطریات نیز طریق الی الواقع است (هادی عباسی خراسانی: ۱۳۹۹/۸/۵).

دلیل دوم: برخی، اصل حاکم بر رفتار شارع در غیر عبادات را امضاء و تصحیح بنیان ها و بناهای مردم دانسته مگر آن که خلافش با دلیل معتبر ثابت شود، زیرا شارع در معاملات مانند بسیاری از مسائل مستحدثه بنیانگذار نیست و صرفاً نقش اصلاح گری دارد؛ از اینرو لازم نیست نظر موافق و تأییدی خویش را ابراز کند (علیدوست، ۱۳۸۴: ۳۴) مثلاً در معاملات عقلایی گفته می شود فساد آن به دلیل معتبر نیاز دارد، لذا اصل بر صحّت آن است (خمینی، ۱۳۷۹: ۱۳۳/۲). اطلاعات و عموماً نیز متضمّن تأیید اعتبار عقلایی است خصوصاً که حجّیت اعتبار عقلایی، تضمین کننده پاسخگویی فقه به موضوعات متغیّر و عرفی مستحدثه است.

دلیل سوم: عقلای عالم، اهل ذکاوت و دقّت و تیزبینی و نبوغ بوده و وقتی بر امری اتفاق نظر داشته باشند اتفاق و تبانی آنها بر کذب عادتاً محال است؛ به همین دلیل محال است خطا کنند. همچنین سیره عقلاء شامل سیره شرعی هم می شود؛ چون سیره عقلاء یعنی روش و طریقه علمای عالم و کسانی که کارهای عاقلانه دارند و شارع مقدّس هم از عقلاء است و از این سیره عقلایی خارج نیست (هادی عباسی خراسانی: ۱۳۹۹/۸/۵). نظریه امام در زمره این دیدگاه ارزیابی می شود که به تفصیل در زیر مورد ارزیابی قرار می گیرد.

۳-۲- نظریه امام خمینی (ره)

۳-۲-۱- تبیین نظریه

برای کشف مناط حجّیت سیره و بنای عقلاء از نقطه نظر مرحوم امام خمینی (ره) و دستیابی بهتر به دیدگاه ایشان بهتر است بنیاد عقلایی را آنگونه که فقها بیان داشته اند در سه دسته تقسیم و نقطه نظر امام خمینی (ره) در هر سه قسم به طور جداگانه مورد کنکاش قرار گیرند.

دسته اول: سیره و بناات عقلایی مقارن عصر شارع از حیث ارتکاز و سلوک خارجی

مانند اعتماد به خبر ثقه

در این خصوص، امام(ره) ابتدا معاصرت و همزمانی سیره موردنظر با پیامبر اکرم(ص) یا یکی از معصومین(ع) را شرط می‌دانند و پس از بحث و ارائه نظرات مختلف اصولی، مناط و مبنای عدم ردع را مقبول دانسته و آن را کافی می‌دانند. به این بیان که اگر معصوم(ع) مردم را از عمل به سیره عقلائی موردنظر، منع می‌کرد به طور حتم خبر آن به دست ما می‌رسید؛ چراکه منع و ردع شارع از بنای عقلائی که همگان به آن عمل می‌کنند آنچنان مهم محسوب می‌شود که بلاشک در جامعه امروزی بازتاب وسیعی داشته و افراد مختلف آن را نقل خواهند کرد و همین که ردعی به دست ما نرسیده، ملاک و کاشف از این است که اصلاً ردعی نسبت به آن بنای عقلائی از ناحیه معصوم(ع) حادث نشده است (خمینی، ۱۳۶۷: ۱۶۶/۲). به همین مناسبت گفته است: صرف بناء گذاری خردمندان جامعه بر عمل کردن به سخن ایشان، مثمر ثمر نخواهد بود مگر این که عدم نهی شارع که حاکی از رضایت اوست به این بناء گذاری ضمیمه شود» (خمینی، ۱۳۷۲: ۲۵۰/۱). در ارائه دلیل بر این سخن بیان می‌دارند: «نفس عدم ردع از ناحیه شارع مقدّس در صحّت و نفوذ بنای عقلاء کفایت می‌کند؛ پس معامله نافذ در نزد عقلاء اگر نزد شارع هم نافذ نباشد حتماً باید از آن ردع نماید و در نفوذ و تأیید آن معامله نزد عقلاء، عدم ردع شارع کفایت می‌کند» (همان: ۳۱۵/۱).

ایشان در پاسخ به بیان برخی که اظهار داشته اند در معاملات به دلیل اعتباری بودن به امضاء و تصریح شارع نیاز می‌باشد و صرف عدم ردع کفایت نمی‌کند بیان می‌دارند: «همانا این کلام که معاملات به دلیل اعتباری بودن نیاز مند تصریح و امضای شارع در تأیید آنها می‌باشد، مردود است؛ چراکه اعتباری بودن آنها لزوم امضای شارع را در پی ندارد. بنابراین در حجّیت و صحّت معاملات از سوی شارع، صرف عدم ردع شارع مقدّس کفایت می‌کند، چراکه اگر معامله ای در نزد توده های عقلا نافذ و موثر باشد اما نزد شرع این طور نباشد، وظیفه شارع مقدّس است تا از آن نهی کند و در اثبات

صحّت و مؤثر بودن آن در نزد شارع، صرف عدم ردع او کفایت می‌کند» (خمینی، ۱۳۸۱: ۱۳۴/۲-۱۳۵).

البته همانگونه که ابتدای بحث اشاره شد مرحوم امام(ره) روش عدم ردع را تنها در مورد سیره و بناءات عقلائی متصل به عصر معصومین(ع) - و به عبارتی، سیره و بناءات عقلایی که در مسمع و منظر معصوم می‌باشد - مفید فایده می‌دانند و در این خصوص می‌گویند: تردیدی وجود ندارد مبنی بر این که حجّت بودن ارتکاز عقلاء و بناء گذاری ایشان بر چیزی پس از امضاء و تأیید شارع و بسنده نمودن به عدم نهی شارع، مشروط به این است که این بناء گذاری در منظر معصوم(ع) باشد، اما اگر عقلاء بنای خودشان را بر موضوعی جدید که در زمان معصومان(ع) نبوده، بگذارند در این صورت نمی‌توان تأیید و امضای شارع مقدّس را نسبت به آن بناء به دست آورد» (خمینی، ۱۳۸۵: ۱۲۳/۲). نتیجه این که این نظر در خصوص بنائاتی که در منظر شارع بوده و می‌توانسته از آنها ردع کند و نکرده است، سودمند است.

دسته دوم: سیره و بناءات عقلایی مقارن عصر شارع از حیث ارتکاز و نبود سلوک خارجی در آن زمان

توضیح این که گاهی جهت ارتکازی عقلایی در زمان معصومین وجود دارد اما نسبت به مصداق مورد بحث، سلوک عملی در خارج نبوده است، مانند تقلید ابتدایی از میّت. نگره و اندیشه امام در خصوص مورد دوم اینگونه توصیف و تحلیل می‌شود که: ایشان به عنوان فقیهی نواندیش، تکیه و اذعان بر علم معصومین(ع) نسبت به وقایع و رویدادهایی که در آینده حادث خواهد شد، تفاوتی میان سیره های عقلایی متصل به زمان شارع با دیگر بناءات عقلائی غیر متصل به زمان آنها قائل نمی‌شوند و همین روش عدم ردع را برای اعتبار و جهت سیره و بنای عقلائی نوپیدا و معاصر مؤثر دانسته و از این طریق حجّیت و اعتبار آن را اثبات می‌کنند (خمینی، ۱۳۸۵: ۱۲۹/۲-۱۳۰) و معتقدند که معصومین(ع) هدایتگر نسل آینده نیز هستند و در این خصوص می‌گویند:

«پیامبر(ص) و ائمه(ع) به حال و وضع زمان های آینده آگاهی داشته و می دانستند که در زمان های آینده و دوران غیبت کبری، چه روش هایی در میان جامعه متداول می شود و چه سیره هایی سیطره و نفوذ پیدا می کند و اگر به آن سیره هایی که در زمان های بعد در بین مردم جا افتاده و معمول گردیده یا خواهد گردید، راضی نبودند بایستی در همان زمان خودشان از آن سیره ها که تحقّق خواهد یافت منع می کردند، ولی چون منع نکردند کاشف از آن است که سیره عقلاء در هر عصر و زمانی حجّت است» (خمینی، ۱۴۱۰: ۱۳۰/۲-۱۳۱). در تأیید مطالب فوق در جایی دیگر بیان می دارند: «در فرض اختلاف شیوه شارع با روش متداول مردم، اهمال شارع در بیان شیوه خاصّ خویش صحیح نخواهد بود، بنابراین از بیان نشدن روش خاصّ از سوی شارع می توان فهمید که روش او همان روش مرسوم و متداول در بین عقلاء می باشد» (خمینی، ۱۴۱۵: ۳۹۷/۱).

همچنین ایشان در جواب اشکالی در باب اجتهاد و تقلید بیان داشته اند که: همان طور که ائمه(ع) از سیره عقلائی زمان خود اگر بدان راضی نبودند ردع می کردند همچنین سیره عقلائی زمان ما و زمان های دیگر را اگر مورد رضایت نبود می بایست ردع می کردند؛ چراکه ائمه می دانستند که در آینده در میان شیعیان چنین شیوه ها و روش هایی تأسیس و استقرار پیدا می کند؛ پس اگر با این بناءات عقلائی مخالف بودند حتماً نظر مخالف خود را اعلام می کردند و چون منع و ردعی از این روش ها و سیره ها نکرده اند بنابراین همه این روش های عقلایی که در عصر غیبت شکل می گیرد و رواج می یابد مورد تأیید و امضای ائمه است مگر سیره هایی که مردود اعلام شده است؛ مانند قمار، شراب یا بیع ربوی (خمینی، ۱۴۲۶: ۶۱/۱-۸۲). با دقّت و کنکاش در نظرات امام(ره) این نتیجه به دست می آید که علم و آگاهی معصوم(ع) نسبت به بناءات عقلائی مستحدثه در آینده، هم در نقش و جایگاه معاشرت بنای عقلاء با عصر معصوم واقع شده، و هم طریقی برای اثبات و احراز عدم ردع است، زیرا در صورت ردع معصوم،

خبر آن به همه می رسید. بدین طریق مرحوم امام(ره) راهی را برای حجّت و تأیید سیره و بنائات عقلائی معاصر باز می کنند.

دسته سوم: بنائات عقلایی که هم جهت ارتكازی و هم سلوک خارجی آنها مستحدث است

با کنکاش در آثار اصولی و بیانات مرحوم امام که در ادامه به صورت مفصّل شرح داده می شود نسبت به بنائات عقلایی مستحدثه یا معاصر، مانند مالکیت فکری یا حقوق معنوی، نظام بانکداری، بیمه و غیره، دو نقطه نظر می توان برداشت نمود: در یک نگاه، ایشان اشاره داشته اند که نسبت به این بنائات موافقت معصوم از آنها را نمی توان احراز کرد (خمینی، ۱۳۶۷: ۱۶۶/۲) و باید موافقت و امضای شارع مقدّس نسبت به آنها را حاصل کرد (خمینی، ۱۳۷۲: ۲۵/۱) اما با استدلالات دیگری که در این نوشتار به صورت مبسوط شرح داده خواهد شد می توان گفت که قائل به حجّیت ذاتی آن دسته از بنائات مستحدثه ای است که واجد جنبه عقلائی و بر پایه اضطرار و حفظ نظام زندگی اجتماعی شکل می گیرد. بررسی مستندات مشروحه ذیل، نشانگر تقویت و تأیید این دیدگاه است.

۲-۳-۲- تحلیل و بررسی دیدگاه امام خمینی در مورد قسم اخیر

همانگونه که شرح داده شد مرحوم امام خمینی(ره) در دو قسم یاد شده از بنائات عقلایی، قائل به عدم حجّیت ذاتی بودند و آن دو قسم از بنائات را نیازمند به امضای شارع یا عدم ردع می دانستند، اما نسبت به بنائات عقلایی مستحدثه و معاصر می توان گفت معتقد به حجّیت ذاتی این بخش از سیره ها و بنائات عقلایی می باشند. هرچند ایشان به این نکته اشاره صریح نکرده ولی از بیانات و نظرات ایشان در این باب می توان این نظریه را استخراج نمود.

در این راستا معتقدند این بنائات بر اساس «بما أنّهم عقلاء» شکل می گیرند. توضیح آن که بنائات عقلایی در اینجا یک روش عقلایی است که عقلا بما هم عقلا به آن عمل می کنند و عمل به آن را ضروری می دانند و عدم اقدام به آن موجب اختلال نظام و

هرج و مرج یا دست کم عسر و حرج می‌شوند؛ از طرفی شارع نیز خودش مانند احدی از عقلا به آنها عمل می‌کند (خمینی، ۱۴۱۵: ۱۰۵/۱-۱۰۶). در کلامی دیگر بیان می‌دارند: «انّ الامارات المعتمره شرعاً غالبها - إن لم یکن جمیعاً - طرق عقلائیه یعمل بها العقلاء فی سیاساتهم و معاملاتهم و لا تكون تأسیسیه جعلیه كما اعترف به المحقق المتقدم رحمه الله» (خمینی، ۱۳۷۲: ۱۹۴/۱). بنابراین مطابق دیدگاه امام(ره)، امضای شارع به معنای جعل حجیت و کاشفیت برای سیره و بناات عقلایی نیست؛ بلکه امضای شارع به دلیل اعتبار عقلایی نهفته موجود در سیره عقلاست؛ آنجا که می‌گویند: «صحّه گذاری شارع بر قوانین سیره عقلاء دلیلی جز همان اعتبارات عقلایی نهفته در آنها ندارد» (خمینی، ۱۳۷۲: ۱۹۴/۱).

در تأیید ادعای گفته شده برخی از محققان جهت اثبات حجیت ذاتی داشتن بنای عقلاء معتقدند که بناات عقلایی تماماً واجد منشأ حقیقی هستند و بازگشت آنها به عقل اضطراری است و این اضطرار عقلاست که باعث شیوع و گسترش آنها شده است؛ لذا حجیت آنها به خود عقل بر می‌گردد (اکبرنژاد، ۱۳۸۹: ۱۱۴-۱۶۵).

همین نکته پیرامون بناات عقلایی مستحده، نوپیدا و معاصر نیز صادق است از آن حیث که این بناات بر اساس ضروریات غیر قابل اجتناب زندگی اجتماعی و اضطرار شکل می‌گیرند؛ از اینرو می‌توان گفت که بناات عقلایی معاصر، غیر قابل ردع از طرف شارع مقدّس است، چراکه ویژگی و قابلیت حسن و قبح عقلی را دارا هستند. از طرفی، ردع آنها از ناحیه شارع، موجب اختلال در نظام زندگی اجتماعی می‌گردد؛ بنابراین اینگونه بناات کاشف از حکم شرع می‌باشند و جنبه کاشفیت دارند؛ پس دارای حجیت استقلالی و ذاتی هستند. امام خمینی(ره) دقیقاً مطلب گفته شده را پیرامون بناات عقلایی مستحده و معاصر مطرح کرده و اضطرار را دلیل شکل‌گیری این دسته از سیره‌های عقلایی می‌داند، به همین دلیل شارع مقدّس را جاعل اینگونه بناات و سیره‌های عقلایی نمی‌داند؛ آنجا که می‌گویند: «فاعلم انّ الامارات المتداوله علی السنه اصحابنا المحققین کلّها من الامارات العقلائیه التي یعمل بها العقلاء فی معاملاتهم و سیاستهم و

جميع امورهم؛ بحيث لو ردع الشارع عن العمل بها لاختلّ نظام المجتمع و وقتت رحي الحياه الاجتماعيه، و ما هذا احاله لا معنى لجعل الحجية له و جعله كاشفاً محرراً للواقع بعد كونه كذلك عند كافة العقلاء و ها هي طرقاتاً...: بي شكّ اماراتی که در زبان اصحاب محقق ما رواج دارد همه از امارات عقلائیة ای هستند که عقلا به آنها در معاملات و سیاست ها و تمام امورشان عمل می کنند به گونه ای که اگر شارع از عمل به آن منع کند نظام مجتمع از هم پاشیده و چرخ زندگی اجتماعی از حرکت باز می ایستد و چیزی که چنین شأنی دارد قابل جعل حجیت نیست...» (خمینی، ۱۴۱۵: ۱/۱۰۵).

بیان حضرت امام اشاره به بداهت این قسم از سیره های عقلایی و درک پذیر بودن آنها دارد. به تعبیر دیگر، بازگشت چنین بناءاتی به بداهت های عقلی است. ایشان در این راستا سیره های عقلایی را از فطریات العقول می شمارند (خمینی، ۱۳۸۲: ۱۴۴/۳؛ خمینی، ۱۴۱۰: ۱۲۳/۲). فطری بودن یک امر، نشانگر حقیقی بودن آن و خروج از دایره اعتبار و قرارداد است. در استدلال دیگر بر این دیدگاه، نگاه و اهتمام ویژه امام خمینی (ره) به مصالح جمعی و نوعی و نیازهای نوظهور و نوپیدای جامعه است؛ مصالحی که بر مبنای آنها بناءات و سیره هایی شکل می گیرد که غیر قابل ردع از ناحیه شارع مقدّس بوده و واجد خصوصیت کاشفیت و حجیت استقلالی است. در تأیید این مطلب می گوید: «سرچشمه و خاستگاه تمامی اعتبارهای عقلایی، مسائلی از قبیل مصلحت های اجتماعی و مانند آن است» (خمینی، بی تا: ۱۶۱/۱). در جای دیگر بیان داشته اند: «روشن است که اعتبار های عقلایی همانا به خاطر دستیابی به اهداف، مصلحت ها و برطرف کردن نیاز هایی بوده که تمدن انسانی و زندگی بشری را در پی داشته است» (خمینی، ۱۳۷۶: ۱۹۱/۱-۲۰). پیداست که اگر شارع انسان ها را از عمل نمودن به این اعتبارات و قوانین باز دارد نظام جامعه فرو می پاشد (خمینی، ۱۳۷۲: ۱۰۵/۱). به عبارت دیگر، اگر به جنبه کاشفیت و حجیت استقلالی داشتن بناءات عقلایی مستحدثه، توجه نشود با توجه به این که بسیاری از این بناءات هیچگونه سابقه ای در عصر شارع مقدّس نداشته اند لذا

نمی‌توان تأیید و امضاء یا عدم ردع شارع را نسبت به آنها کشف نمود؛ از همین روی، جامعه مسلمانان با چالش‌ها و مشکلات عدیده‌ای روبرو می‌شود.

با دقت و توجه به این گفته امام نیز می‌توان نظریه حجیت ذاتی داشتن این قسم از سیره‌ها را کشف نمود، آنجا که بیان داشته‌اند در همه موارد مبتلی به مردم که شرع مقدس در آن موارد، حکم و روش خاصی ارائه نکرده اما عرف و سیره عقلاء در آنجا دارای حکم و روش خاصی است این عدم بیان شارع برای کاشفیت از یگانگی روش شارع و سیره عقلاء و در نتیجه، امضای سیره عقلاء کافی است؛ چراکه اهمال در چنین مواردی در صورت وجود اختلاف بین روش شارع و سیره عقلاء، با توجه به قبح عدم بیان در وقت حاجت، امری نادرست است و در فرض اختلاف شیوه شارع با روش متداول مردم، اهمال شارع در بیان شیوه خاص خویش صحیح نخواهد بود. پس از بیان نشدن روش خاصی از سوی شارع می‌توان دریافت که روش او همان شیوه متداول میان عقلاست (خمینی، ۱۴۱۵: ۳۹۷/۱). روشن‌ترین مصداق این بیان، بنائات معاصر است که شارع حکم و روش خاصی در خصوص آن ندارد. از طرفی در این بیان نیز اشاره به حکم عقل و عرف شده است و از همین اشاره می‌توان دریافت که در اینگونه سیره‌ها و بنائات، حکم عقل و عرف، کاشف از حکم و روش شارع می‌باشد؛ یعنی به نوعی جنبه کاشفیت بناء و سیره عرف و عقلاء مورد تصریح قرار گرفته است. با اثبات کاشفیت، حجیت استقلالی و به عبارت دیگر، حجیت ذاتی این گونه سیره‌ها نیز ثابت می‌شود.

همانگونه که پژوهشگران درصددند با اثبات بازگشت بنائات عقلایی به احکام اضطراری عقل عملی، حجیت استقلالی و ذاتی این سیره‌ها را به اثبات برسانند (اکبرنژاد، ۱۳۸۹: ۱۱۶) در استدلال به حجیت ذاتی بنائات عقلایی نیز قبلاً گفته شد در صورتی که بنای عقلاء را حکم عقل یا حتی جزو حکم عقل بپنداریم بی‌نیاز از امضای شارع می‌باشد.

همچنین با توجه به این که بنیاد مستحدثه در میان همه ملل از هر قوم و مذهب و آئین با هر تفکر و اندیشه رایج و ساری است می‌توان گفت که واجد جنبه عقلایی و کشفی هستند و با گذشت زمان، کارکرد و تازگی آنها از بین نمی‌رود؛ پس از دایره اعتبار و قرارداد خارج هستند، یعنی دارای حجیت ذاتی و غیر قراردادی می‌باشند. در همین راستا، مرحوم امام در بحث از اصالة الصحه که از کاربردی ترین اصول در حجیت بخشی به نهادهای نوپیدا می‌باشد بنای عقلاء را محکم ترین دلیل بر حجیت آن بر شمرده و بیان می‌دارند: «و الدلیل علیه هو بناء العقلا و السیره العقلانیة القطعیة من غیر اختصاصها بطائفة خاصه کالمسلمین ... کقاعده الید و کالعمل بخبر الثقة معمولاً بها بین الناس: و دلیل بر آن بنای عقلاء و سیره عقلانیة قطعی بدون اختصاص به طائفة خاصی مانند مسلمین است، مانند قاعده ید و عمل به خبر ثقة که در میان همه با وجود اختلاف طبقات بدون انتظار ورود اعتبار از ناحیه شارع رواج دارد (خمینی، ۱۳۸۵: ۳۲۰/۱) و بیان داشته اند: «صحّه گذاری شارع بر قوانین سیره عقلا دلیلی جز همان اعتبارات عقلایی نهفته در آنها ندارد» (خمینی، ۱۳۷۲: ۱۹۴/۱) و «هر چیزی که نزد عرف مسلم باشد و عقلاء احتمال خلاف آن را ندهند واجب است مورد توجه قرار گیرد» (خمینی، ۱۴۱۵: ۲۶۴/۱). بنابراین می‌توان توصیف کرد که ایشان به نوعی قائل به حجیت ذاتی بنیاد عقلایی معاصر و مستحدثه بوده و از این طریق، راهگشای مسائل و مشکلات جامعه اسلامی در عرصه‌ها و زمینه‌های نوپیدا و نوظهور و در همه بخش‌ها اعم از اقتصادی، سیاسی و فرهنگی و غیره بوده‌اند. با این توصیف، مبانی و ادله ایشان را بر نظریه مذکور بررسی می‌کنیم.

۱. قاعده حفظ نظام اجتماعی و منع اختلال در آن

سیره و بنیاد عقلایی مستحدثه، اغلب به جهت حفظ نظام اجتماعی و منع اختلال در آن شکل می‌گیرند و به همین خاطر، مردم نسبت به این بنیاد، انگیزه عقلایی دارند و در واقع، جنبه حیثیت عقلایی آنان سبب شده است تا به حفظ مصالح و نظم اجتماعی

اهتمام و توجه داشته باشند و بنااتی که واجد این ویژگی هستند مطلوب شارع بوده و بلاشکّ حجّت می باشند (قائم مقامی، ۱۳۷۸: ۲۳۶؛ انصاری و افشاری، ۱۴۰۱: ۴۹) چراکه مخالفت با اینگونه بناات، موجب اختلال در نظام زندگی جمعی می شود و لذا از ناحیه شرع، غیر قابل ردع می باشد؛ در همین راستا برخی از علمای اصول در دلیل سیره عقلا نسبت به تمسک به اخبار غیر قطعی حفظ نظام اجتماعی را مبنای شکل گیری دانسته و بیان داشته اند: و علی هذه السیره العمليه قامت معایش الناس و انتظمت حياه البشر و لو لاها لاختلّ نظامهم الاجتماعی و لسادهم الاضطراب لقله ما یوجب العلم القطعی من الاخبار المتعارفه سنداً و متناً (مظفر، بی تا: ۹۱/۲)؛ همین باور و نگاه در اندیشه اصولی امام خمینی(ره) به صراحت دیده می شود، در آنجا که منع از امارات عقلائی که در میان عقلا رایج است را موجب اختلال نظام می دانند و معتقدند که شارع خود بر حفظ نظام و عدم اختلال در آن تأکید فراوان دارند و لذا محال است که به منع از آنها مبادرت ورزند (خمینی، ۱۳۷۲: ۱۰۵/۱-۱۰۶). ویژگی های یاد شده در بیشتر بناات عقلائی معاصر، مشهود و ملموس بوده و قطعاً تحکیم پایه های نظام زندگی اجتماعی و تنسیق و تنظیم روابط افراد جامعه در تمامی بخش ها وابسته و متکی به آنها است.

۲. قاعده عسر و حرج

ردع و منع افراد از تمسک به بناات عقلائی مستحدثه که از ضروریات زندگی اجتماعی در عصر حاضر می باشند و عقلا بما هم عقلا به آن عمل می کنند موجب عسر و حرج و در مشقّت و سختی گرفتن عامّه مردم می شود؛ حال آن که به استناد قاعده عسر و حرج، شارع مقدّس بر امری که موجب ضیق و حرج باشد صحّه نمی گذارد و هرگونه حرج خارجی با تمسک به آن نفی می شود (مرعشی شوشتری، ۱۳۷۶: ۱۹۶/۱؛ نراقی، ۱۴۱۷: ۶۰). مرحوم امام با ملاحظه مطالب فوق معتقدند عمل بر طبق این طیف از بناات که بر مبنای بما آنهم عقلا شکل می گیرند ضروری است؛ چراکه عدم اقدام به آن موجب هرج و مرج یا دست کم عسر و حرج می شود و چون شارع خودش احدی

از عقلاست به آنها عمل می‌کند (خمینی، ۱۴۱۵: ۱/۱۰۵-۱۰۶). به همین دلیل، اغلب بناات عقلایی مستحده غیر قابل ردع از ناحیه شارع مقدّس، واجد اعتبار عقلایی و جنبه کاشفیت بوده؛ یعنی حجیت آن به خود عقل برمی‌گردد و نیازی به موافقت شارع ندارد؛ لذا دارای حجیت ذاتی می‌باشند.

۳. عنصر مصلحت

حفظ مصالح عمومی در راستای تنسيق و تنظيم زندگي اجتماعي و تحکيم و حفظ ارزش های دینی اقتضا می‌کند که بناات عقلایی مستحده، مورد توجه و اهتمام وافر قرار گرفته و با حجیت بخشی به آنها مشکلات نوظهور در عرصه های مختلف را حلّ نمود. مرحوم امام (ره) از جمله اندیشمندان اصولی است که نگاه خاصی به عنصر مصلحت در جهت حفظ حکومت اسلامی و اداره امور جامعه داشته اند؛ به عقیده ایشان، در اسلام مصلحت نظام و به تعبیری عنصر مصلحت از مسائلی است که مقدم بر همه چیز است و همه باید تابع آن باشیم و با توجه به مبنای مصلحت جمعی بر این باورند که حکومت می‌تواند قراردادهای شرعی را که خود با مردم بسته است در مواقعی که آن قرارداد مخالف مصالح کشور و اسلام است یک جانبه لغو کند و از هر امری چه عبادی و چه غیر عبادی که جریان آن مخالف مصالح است جلوگیری کند (خمینی، ۱۳۶۹: ۱۷۰/۲-۱۷۶). پیداست که بناات عقلایی مستحده، اغلب در راستای تأمین مصالح عامه در حوزه های گوناگون شکل می‌گیرد؛ بر همین مبنای مرحوم امام (ره) سرچشمه تمامی اعتبارات عقلایی را مسائلی از قبیل مصلحت جمعی و مانند آن دانسته و معتقدند که اعتبار های عقلایی به خاطر تأمین و جلب مصالح و مرتفع نمودن نیاز های بشری است (خمینی، ۱۳۷۶: ۱/۱۹-۲۰). با دقت در بیانات ایشان این نکته آشکار می‌شود که بیشتر این بناات عقلایی در راستای تأمین مصالح شکل می‌گیرند به گونه‌ای که نفی حجیت از آنها اختلال در نظام و هرج و مرج اجتماعی و سلب مصالح را در پی دارد؛ لذا قابل جعل حجیت نیستند (خمینی، ۱۴۱۵: ۱/۱۰۵). به نظر معظم له این طیف از بناات، حجیت

ذاتی داشته و امضای شارع نسبت به آنها به منزله جعل حجیت برای آنها نیست بلکه امضای شارع به دلیل اعتبار عقلایی نهفته در آنها است (خمینی، ۱۳۷۲: ۱۹۴/۱) و این یعنی حجیت ذاتی داشتن این بنائات.

برخی از پژوهشگران نواندیش نیز به استناد دلایل گفته شده به اثبات حجیت ذاتی داشتن بنای عقلاء پرداخته و بر این عقیده هستند که بنای عقلاء واجد منشأ حقیقی هستند و حجیت آنها به خود عقل بر می گردد (اکبرنژاد، ۱۳۸۹: ۱۱۴-۱۶۵).

۴. قاعده ملازمه

مرحوم امام(ره) جایگاه ویژه ای برای عقل به عنوان منبع استنباط احکام قائل شده و کارکردهای گوناگونی در عرصه اجتماعی، سیاسی و غیره برای آن تعریف کرده و به ملازمه بین حکم عقل و حکم شرع معتقدند (خمینی، ۱۳۸۱: ۲۰۵/۳). حال، همانگونه که از حکم عقل به استناد این قاعده، حکم شرعی استنباط می شود می توان میان بنائات عقلایی معاصر و حکم شرع نیز این ملازمه را تصور و ایجاد نمود و از این طریق حجیت آن را اثبات کرد. مؤید مطلب این که علمای علم اصول در اغلب موارد به سیره عقلاء همراه با قید «بما هم عقلاء» اشاره کرده و حکم عقلا بما هم عقلا را از دلایل اصلی وجود ملازمه میان حکم عقل و حکم شرع می دانند (مظفر، ۱۴۳۰: ۲۲۷/۱). مرحوم امام(ره) در آثار اصولی خویش به این نکته تصریح کرده اند که بنائات عقلایی بر مبنای ویژگی عقلایی بودن و بر اساس بما انهم عقلاء شکل می گیرد و به همین روی شارع خودش مانند احدی از عقلاء به آن عمل می کند (خمینی، ۱۴۱۵: ۱۰۵/۱-۱۰۶). با توجه به مطالب ذکر شده می توان گفت که اگر سیره میان عقلاء بما هم عقلاء شکل گرفت شارع مقدّس نیز با آن موافق است و ردع و منع آن از ناحیه شارع امکان ندارد و لذا واجد حجیت می باشد.

۵. قاعده لطف

این قاعده از قواعد علم کلام است که به موجب آن بر خداوند متعال لازم می شود کاری انجام دهد که انسان ها به اطاعت نزدیک و از گناه دور شوند (فخرالدین رازی،

۱۴۱۱: ۴۸۱-۴۸۲) مانند ارسال رسول و تشریح تکالیف دینی. اندیشمندان اصولی بر این باورند که قاعده لطف عمومیت دارد و شامل همه دوره های زمانی می شود و تنها اختصاص به زمان حضور معصوم ندارد (علامه حلی، ۱۴۱۳: ۳۶۳) زیرا قاعده لطف، هر فعلی را که بر وجه لطف انجام آن بر خداوند متعال لازم است، شامل می شود و از طرفی، هدایت عملی جامعه از لوازم قاعده لطف در عصر غیبت است (ایزدهی، درس خارج فقه: ۱۳۹۴/۱۱/۲۱). این قاعده در علم اصول کارکرد های فراوانی دارد؛ از جمله برای اثبات حجیت سنت به آن استناد شده است (علامه حلی، ۱۴۱۳: ۱۱۷). گروهی دیگر از دانشمندان اصولی نیز با تمسک به آن حجیت اجماع را احراز کرده اند (شیخ طوسی، ۱۴۱۷: ۶۴۲/۲؛ بحرانی، بی تا: ۳۷۰/۹؛ مظفر، ۱۴۲۴: ۱۰۸/۲). حال، همانگونه که اندیشمندان اصول در راستای احراز حجیت سنت و به ویژه اجماع به آن تمسک کرده اند می توان برای اثبات حجیت بنائات و سیره های عقلایی مستحده نیز به این قاعده استناد کرد و بر مبنای آن حجیت ذاتی این قسم از سیره ها را به دست آورد، چراکه سیره ها و بنائات عقلایی معاصر در عصر حاضر، نقش هدایت گری و راهبری جامعه را عهده دار هستند و به عنوان اجماع عملی خردمندان و عقلا در موضوعات مستحده در راستای نظم و نسق دادن به امور مردم در عرصه های مختلف و تأمین مصالح عامه و در نهایت، طریق کشف احکام در عصر غیبت، چنانچه برخلاف عدل و نادرست باشند اقتضای لطف پروردگار آن است که از طریق امام غائب خطای آنها را به ذهنشان القاء کند؛ لذا چون چنین نکرده و نظری برخلاف وجود ندارد معلوم می شود که شارع مقدس نیز با آن موافق است و از این طریق، حجیت احراز می شود.

نتیجه گیری

با بررسی مبانی و مستندات دانشمندان اصول نتایج زیر حاصل گردید:

۱. در خصوص حجیت ذاتی یا غیر ذاتی داشتن و نیز مناط حجیت بنائات عقلایی که نقش آنها کبری واقع شدن برای اثبات حکم شرعی است میان دانشمندان علم اصول

اختلاف نظر وجود دارد. اکثر دانشمندان علم اصول قائل به حجیت غیر ذاتی بنای عقلاء هستند. این دسته از دانشمندان در مورد مناط حجیت بنای عقلاء اختلاف نظر دارند. مشهور آنها از جمله محقق نائینی و شهید صدر، مناط حجیت را عدم احراز ردع شارع دانسته، و برخی دیگر مبنای حجیت را احراز عدم ردع دانسته اند.

۲. بررسی مستندات و دلایل، حاکی از این است که نظر غیر مشهور مبنی بر حجیت ذاتی داشتن بنائات عقلایی، مقرون به صحت می باشد خصوصاً که بازگشت و منشأ بنای عقلاء، عنصر عقلانی، فطری و الهی است و به تعبیر دیگر، بنای عقلاء یعنی چیزی که به ذات آنها برمی گردد و از طرفی ذات و فطریات نیز طریق الی الواقع است.

۳. با استناد به قاعده حفظ نظام، ملازمه، عسر و حرج، لطف و عنصر مصلحت این نتیجه به دست می آید که بنائات عقلایی مستحدثه ای که بر مبنای ویژگی و خاصیت عقلایی خردمندان شکل می گیرد به جهت این که موجب تنظیم و تنسيق روابط اجتماعی افراد در عرصه های مختلف شده و عدم تمسک به آنها موجبات اخلال نظام و عسر و حرج را فراهم می آورد واجد حجیت ذاتی می باشد.

۴. با دقت در نظرات و آثار اصولی امام خمینی (ره) این نتیجه به دست می آید که دیدگاه معظم له متفاوت از دانشمندان اصولی است. بدین شرح که نسبت به بنائات متصل به عصر معصومین و بنائات مقارن عصر شارع از حیث ارتکاز و نبودن سلوک خارجی در آن زمان، ضمن پذیرش حجیت اعتباری نظریه عدم ردع را اختیار نمودند. اما در خصوص بنائات عقلایی معاصر که عقلاء بما هم عقلاء به آن عمل کرده و عمل بر طبق آنها موجبات عسر و حرج و اختلال نظام را در پی دارد می توان گفت قائل به حجیت ذاتی می باشد؛ چراکه اینگونه بنائات از آن حیث که قائل شدن به عدم حجیت و عدم تمسک به آنها موجب اختلال در نظام زندگی اجتماعی می شوند از طرف شارع مقدس غیر قابل ردع می باشد.

منابع

- آشتیانی، محمدحسن (۱۴۰۳ق)، **بحر الفوائد فی شرح الفرائد**، ج ۱، قم: کتابخانه آیه الله العظمی مرعشی نجفی (ره).
- اصفهانی، محمدحسین (۱۳۷۴)، **نهایه الدرايه فی شرح الکفایه**، ج ۳، قم: سید الشهداء.
- اکبرنژاد، محمدتقی (۱۳۸۹)، **حجیت ذاتی بناهای عقلانی و تأثیر آن در فقه و اصول**، فصلنامه علمی و پژوهشی فقه، ۶۴، ۱۶۵-۱۱۴.
- انصاری، حمید؛ افشاری، علی اصغر (۱۴۰۱)، **نقش عدالت و مصلحت در تحسین و تقبیح عقلی و تأثیر آن دو بر شکل گیری بنائات عقلاء**، مطالعات فقه و حقوق اسلامی، ۲۶، ۳۱-۵۸.
- ایزدی فرد، علی اکبر؛ نعمت زاده، رجبعلی؛ کاویار، حسین (۱۳۸۸)، **عرف و جایگاه آن در استنباط احکام شرعی**، مطالعات فقه و حقوق اسلامی، ۱، ۴۵-۷۳.
- بحرانی، شیخ یوسف (بی تا)، **الحدائق الناضره فی احکام العتره الطاهره**، ج ۹، تحقیق: محمدتقی ایروانی، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- جبار گلباغی ماسوله، سید علی (۱۳۷۸)، **درآمدی بر عرف**، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه.
- جمعی از نویسندگان (۱۳۹۷)، **الفائق فی الاصول**، قم: مرکز مدیریت حوزه علمیه.
- جهانخواه، علی (۱۳۹۰)، **جایگاه بنای عقلاء در فقه شیعه**، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، ۱۷، ۱۸۴-۲۱۰.
- حسینی قائم مقامی، عباس (۱۳۷۸)، **کاوش های فقهی**، تهران: امیرکبیر.
- حکیم، سید محمدتقی (۱۴۱۸ق)، **الاصول العامه للفقہ المقارن**، قم: مؤسسه آل البيت.
- حلّی (علامه)، حسن بن یوسف (۱۴۱۳ق)، **کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد**، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- خمینی (امام)، سید روح الله (۱۳۷۲)، **انوار الهدایه فی التعلیقه علی الکفایه**، ج ۱، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- خمینی (امام)، سید روح الله (۱۳۷۸)، **صحیفه نور**، ج ۲۱، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- خمینی (امام)، سید روح الله (۱۳۸۱)، **جواهر الاصول**، ج ۳، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- خمینی (امام)، سید روح الله (۱۳۸۲)، **تهذیب الاصول**، تقریر: جعفر سبحانی، ج ۲ و ۳، قم: دار الفکر.

- خمینی (امام)، سید روح الله (۱۳۸۵)، **الرسائل العشره**، ج ۲، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- خمینی (امام)، سید روح الله (۱۴۱۰ق)، **الرسائل**، ج ۲، قم: اسماعیلیان.
- خمینی (امام)، سید روح الله (۱۴۱۵ق)، **انوار الهدایه فی التعلیقہ علی الکفایه**، ج ۱، ج ۲، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- خمینی (امام)، سید روح الله (۱۴۱۵ق)، **کتاب البیع**، ج ۱، ج ۵، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- خمینی (امام)، سید روح الله (۱۴۲۶ق)، **الاجتهاد و التقليد**، ج ۱، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- صدر، سید محمدباقر (۱۳۹۵)، **المعالیم الجدیده للأصول**، تهران: مکتب النجاج.
- صدر، سید محمدباقر (۱۴۱۷ق)، **بحوث فی علم الاصول**، تقریر: سید محمود هاشمی شاهرودی، قم: مؤسسه دائرالمعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم السلام.
- صدر، سید محمدباقر (۱۴۱۸ق)، **دروس فی علم الاصول**، ج ۱، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- طباطبائی (علامه)، سید محمدحسین (بی تا)، **حاشیه کفایه الاصول**، ج ۲، قم: بنیاد علمی و فکری علامه طباطبائی.
- طوسی (شیخ الطائفه)، محمد بن حسن (۱۴۱۷ق)، **العدّه فی اصول الفقه**، ج ۲، قم: بی جا.
- عراقی، ضیاء الدین (۱۴۱۷ق)، **نهایه الافکار**، ج ۳، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- عمید، حسن (۱۳۵۷)، **فرهنگ فارسی**، ج ۱ و ۲، تهران: امیرکبیر.
- غروی نائینی، محمدحسین (۱۳۷۶)، **فوائد الاصول**، ج ۳، تقریر: محمدعلی کاظمی خراسانی، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- فخر رازی، محمد بن عمر (۱۴۱۱ق)، **المحصل**، عمان: دار الرازی.
- مازندرانی (شریف العلماء)، ملا محمد شریف (بی تا)، **ضوابط الاصول**، بی جا: بی نا.
- محصلی، هدایت حسین (۱۳۹۰)، **عرف و بنای عقلا در فرآیند اجتهاد**، فصلنامه تخصصی پژوهش نامه فقهی، ۳، ۲۷۱-۳۰۱.
- مرعشی شوشتری، سید محمدحسن (۱۳۷۶)، **دیدگاه های نو در حقوق کیفری اسلام**، ج ۱، تهران: میزان.
- مظفر (علامه)، محمدرضا (۱۴۲۴ق)، **اصول الفقه**، تحقیق: عباس علی زارعی، ج ۲، قم: بوستان کتاب.
- مظفر (علامه)، محمدرضا (۱۴۳۰ق)، **اصول الفقه**، ج ۱ و ۳، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- معین، محمد (۱۳۷۱)، **فرهنگ فارسی**، ج ۱، ج ۸، تهران: امیرکبیر.

- موسوی بجنوردی، سید حسن (۱۳۸۰)، **منتهی الأصول**، تهران: مؤسسه عروج.
- نراقی، احمد بن محمد مهدی (۱۴۱۷ق)، **عوائد الایام فی بیان قواعد الاحکام**، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.